

# زرتشت بهرام پژردو

بقلم آقای دکتر محمد مهین

۲

سبب نظم کتاب — زرتشت بهرام کتاب مزبور را بشویق موبدی دانا و آزموده بنظم درآورد و خود در پایان منظومه ازو چنین یاد میکند :

ز گفتار موبد ، سر راستان  
بگفتم من این قصه باستان  
چنین داستانهای چون شیردی  
نگوید کسی، جز که کاوس کی<sup>۱</sup>  
بدیوی است که درینجا برای ضرورت شعر بجای (کیکاوس) کاوس کی گفته، و نیز  
در چند سطر بعد گوید :

نوشتم من این قصه ارجمند  
ز گفتار داندۀ هوشمند  
هنرمند دیندار کاوس کی  
ورباب کیخسرو ، از شهرزی

در آغاز زرتشت نامه ، ناظم چنین گوید :

کسای بخط پهلوی نزد موبدان موبد<sup>۲</sup> دیدم که سرگذشت جهان و روزگار پیشینیان و تفسیر اوستا و داستان زادن زرتشت از مادر در آن نگاشته بود و کسی را بخواندن آن نامه کهن دسترس نبود — موبد بمن گفت چون اکنون کسی اینخط نتواند خواند؛ سزاوار است آنرا بنظم پارسی درآوری تا همه کسی از آن بهرمنند گردد و از دین پاک ما برخوردار شود — من از گفتار موبد خوشدل شدم و از دستور اوسرنیچیدم و خواستم که نام نیکی از خود بیادگار گذارم — بدین قصد بسرای خود باز گشتم و با دل و روان شاد بخواب رفتم ، سر و شمش در خواب گفتم چون بیدار شوی داستان زرتشت بنظم دری تازه کن و روان پیامبر را از خود شاد ساز — هراسان بیدار شدم دیگر چشم بخواب نرفت — با مداد پس از برآمدن آفتاب :

۱ — بیت ۱۵۲۰ از چاپ روزنبرگ

۲ — بنیت های ۱۵۴۰ — ۱۵۴۱ از همان چاپ

۳ — ظاهرأ همان کیکاوس پور کیخسرو

۴ — مراد خط پهلویست

بگفتم من این قصه خواب خویش  
 بکیخسرو ، آن نامور باب خویش  
 کچا پور داراش خوانسی همی  
 بیس از کسی ، گر ندانی همی  
 که آن خانه در ری قدیمی شدست  
 نه تخمبست کا کتون پدید آمدست<sup>۱</sup>  
 او نیز مرا درینکار تشویق کرد و گفت :

بتدبیر این قصه کوش ای پسر  
 چو پاسخ چنین دادم از باب خویش  
 آنگاه بنزد موبدی که زند و اوستا بر کار  
 داشت رفتم و گفتم که آنقصه را آغاز  
 کند — بگفتار موبد کوش دادم و پس از دریافتن موضوع بنظم داستان پرداختم .

**موضوع زراتشت نامه** — موضوع زراتشت نامه که معروفترین و معتبرترین  
 و سودمندترین آثار زرتشت بهرام است در وقایع معجزات پیش از ولادت پیامبر ایران  
 و داستانهای از زندگانی وی و هزاره او و قیام هوشیدر و سرکار آمدن بهرام ورجاوند  
 پادشاهی که پیش از ظهور سرشیانت (موعود زرتشتی) بر انگیزخته خواهد شد و پایان  
 هزاره زردشت میباشد. فهرست عناوین کتاب طبق نسخه زرنبرک بقرار ذیلست :

- ۱ — آغاز : کتاب زراتشت اسپتمان بیشک و او یگمان<sup>۲</sup>
- ۲ — آغاز داستان زراتشت نامه
- ۳ — سخن شاعر در حسب حال خود گوید<sup>۳</sup>
- ۴ — پدید آمدن زراتشت اندر جهان
- ۵ — گزارش ۴ خواب مادر زرنشت
- ۶ — معجزه اول وزادن زراتشت از مادر
- ۷ — معجزه دویم
- ۸ — معجزه سیم<sup>۴</sup> ورستن از آتش
- ۹ — معجزه چهارم ورستن از گاو ان

۱ — در باره کیخسرو پور دارا (مذکور در فوق ، که از خاندان نامی ری بوده  
 و زرتشت بهرام او را «باب» خویش خوانده) دو نظرست : نخست بر طبق احتمال روزنبرگ  
 وی میباشد پدر همان کیکاوس موبد باشد که موضوع زراتشت نامه را بوی املا کرد و  
 او (کیخسرو) پیش از کیکاوس موبدان موبد بوده بر ناظم منظومه ست ولایت داشته  
 است — دیگر آنکه شخصی دیگر بود که نسبت بدو سمت استادی و ار شاد داشته و مشوق  
 او بوده است — بدیهی است نمیتوان گفت این کیخسرو پوردارا پدر شاعر بوده ، چه چنانکه  
 گفتیم شاعر مکرر خود را زرتشت بن بهرام بن پژدو معرفی کرده :

- که زرتشت بهرام بن پژدوام  
 یکی یادگاری از آن هر دوام
- ۲ — یعنی کتاب زرتشت سپتمان (نام خانوادگی پیامبر) بیشک و یگمان
- ۳ — چنین است در اصل
- ۴ — در اصل: گذارش
- ۵ — در اصل سیوم

- ۱۰ — معجزة پنجم و رستن از اسپان  
 ۱۱ — معجزة ششم زراتشت و رستن از گرگان  
 ۱۲ — خرد زراتشت در هفت سالگی  
 ۱۳ — بیمار شدن زراتشت  
 ۱۴ — مناظره کردن زراتشت با جادوان  
 ۱۵ — کردار زراتشت دو جوانی  
 ۱۶ — رفتن زراتشت بایران زمین  
 ۱۷ — گذشتن زراتشت از آب دریا  
 ۱۸ — خواب دیدن زراتشت  
 ۱۹ — تعبیر خواب زراتشت  
 ۲۰ — آمدن زراتشت بآب دایتی  
 ۲۱ — گزارش آن  
 ۲۲ — آمدن بهمن امشاسفند بنزد زرتشت  
 ۲۳ — پرسش زرتشت از یزدان  
 ۲۴ — پرسش دیگر از یزدان  
 ۲۵ — نشان نمودن زرتشت را  
 ۲۶ — گزارش آن  
 ۲۷ — پرسش دیگر از نماز و نیایش  
 ۲۸ — پاسخ دادن یزدان زراتشت را  
 ۲۹ — برگشتن زرتشت از پیش یزدان و آمدن امشاسفندان و وصیت کردن و سخن گفتن بهمن امشاسفند  
 ۳۰ — آمدن اردیبهشت امشاسفند و سخن گفتن در باب آتشان و نیکو داشتن آذران  
 ۳۱ — آمدن شهریور امشاسفند  
 ۳۲ — پذیره آمدن اسفندارمه امشاسفند  
 ۳۳ — پذیره آمدن خرداد امشاسفند  
 ۳۴ — پذیره آمدن مرداد امشاسفند  
 ۳۵ — آمدن زراتشت بر زمین و جنگ کردن با دیوان  
 ۳۶ — آمدن زراتشت ببلخ بنزد یک گشتاسب شاه  
 ۳۷ — مناظره زراتشت با حکیمان

- ۳۸ - مناظره کردن زراتشت روز دوم با حکیمان شاه  
 ۳۹ - مناظره کردن زراتشت روز سیم با حکیمان شاه  
 ۴۰ - دعوی کردن زراتشت بیغمبری  
 ۴۱ - عرضه کردن اوستا بر شاه  
 ۴۲ - چاره کردن برخلاف زراتشت حکیمان<sup>۲</sup>  
 ۴۳ - دروغ گفتن حکیمان بازراتشت در پیش گشتاسب شاه  
 ۴۴ - بند کردن زراتشت  
 ۴۵ - قصه اسب سیاه و معجزه نمودن زراتشت  
 ۴۶ - رواگشتن حاجتهای زراتشت و بیرون آمدن دست و پای اسب سیاه  
 ۴۷ - دعا کردن زراتشت و بیرون آمدن دست [و پای] اسب سیاه [را]  
 ۴۸ - درخواستن دیگر و بیرون آمدن پای اسب سیاه  
 ۴۹ - درخواستن حاجت سیم و رواگشتن  
 ۵۰ - درخواستن حاجت چهارم  
 ۵۱ - بیرون آمدن چهاراندام اسب سیاه  
 ۵۲ - قبول کردن شاه گشتاسب دین از زراتشت  
 ۵۳ - آمدن آن امشاسفندان نزدیک گشتاسب شاه  
 ۵۴ - درون یشتن زراتشت و نمودن چهار برهان دیگر  
 ۵۵ - اندرز کردن زراتشت گشتاسب شاه را از جمله دین  
 ۵۶ - توحید ایزد عر و جل  
 ۵۷ - بیمر گئی خواستن زراتشت  
 ۵۸ - دور آهنگمخت<sup>۲</sup>  
 ۵۹ - آگاه کردن زراتشت از آخر هزاره  
 ۶۰ - برسیدن زراتشت دگر بار از یزدان  
 ۶۱ - اندر ستایش یزدان و ختم کتاب گوید
- شماره آیات و تاریخ نظم - وست<sup>۴</sup> نویسنده: «زراتشت نامه دارای ۱۵۷۰ بیت است»

۱ - در اصل سیوم

۲ - چنین است در اصل

۳ - دور پنجم از ادواز پنج گانه مزدیسنا و معنی آن آهن بد آمیخته رك :

Zand i - vohuman Yast , by B.Anklesaria, Bombay 1919  
 P . 4 and 101

West - ۴

Grundriss : 122 - ۵

زراتشت نامه روزنبرگ شامل ۱۵۷۵ بیت میباشد. تاریخ شروع و ختم کتاب ، چنانکه ناظم خود گفته

چل و هفت با ششصد از یزدگرد همان ماه آبان ، که گیتی فسرد  
من ایروز آذر گرفتم بدست بآبان چو بر جشن بودیم مست  
شب خور نوشتم من ایروز بکام بدو روز کردم مرو را تمام  
مراد گوینده آنست که منظومه مزبور را در آذر روز (نهم) از ماه آبان آغاز  
کردم و در خور روز (بازدهم) از همان ماه در سال ششصد و چهل و هفت یزدگردی  
یعنی فاصله دوروز تمام کردم این تاریخ ختم چنانکه وست و روزنبرگ تصریح کرده اند  
مطابق روز ۱۲ اوت سال ۱۲۷۸ میلادیست - اگر ادعای شاعر را درینکه دو روزه همه  
این اشعار را ساخته بتوان پذیرفت باید تصور کرد که وی گوینده ای کثیر الشعر بوده  
است<sup>۱</sup>

ناگفته نماند که در پایان زراتشت نامه ، ناسخان کتاب پنج بیت از خود افزوده اند  
و در آنها نام او را ( خسرو من باوند ادا ن ) و تاریخ ختم کتاب را روز دین ( بیست و  
چهارم ) از شهریور ماه سال ۸۵۳ یزدگردی معرفی کرده اند .

ماخذ زراتشت نامه - شاعر ، چنانکه گفته شد در مقدمه کتاب گوید موبدان موبد  
داستان را از روی کتبی که بخطی نوشته شده بود که کسی دیگر بر خواندن آن قادر نبود  
برایم خواند و من گفته های او را بنظم آوردم - بدیهی است که منظور ازین خط همان  
خط پهلوی است که تا اوایل قرن هفتم هنوز موبدان ایران بدان آشنا بودند  
اما مراد از کتب پهلوی مزبور چیست ؟ بدون شك ماخذ زراتشت نامه کتب پهلوی :  
زاد سپرم ، کتاب پنجم و هفتم دینکرت است که در آنها از ولادت زراتشت و معجزات  
و چگونگی تولد او سخن رفته است - و نیز ممکن است گذشته ازین کتابها ماخذ دیگری  
هم داشته باشد .

در هر حال مطالب زراتشت نامه از روایات قدیم و سنت بسیار کهن مقتبس است -  
از نساک های مقفود عهد ساسانیان یکی چیترداد نساک است که نساک درازدهم بشمار می -  
رفت<sup>۲</sup> و دیگری سپند نساک که نساک سیزدهم بود بویژه درین نساک از وقایع خود زرتشت  
سخن رانده شده بود - در کتاب هشتم دینکرت ، فصل چهارم که از سپند نساک سخن رفته  
در فقره ۳ آمده : « بسیاری از معجزات او ( زراتشت ) در آن ( سپند نساک ) پیداست همچنان  
که در آنجا بهم پیوسته ، بر چیده از آن در نوشته دینکرت نشاید<sup>۳</sup> »

۱ - ارداویراف منظوم متعلق زراتشت بهرام نیز بسیار مفصلتر از آنچه در دست است

بوده است .

۲ - وک : یشتناج ص ۴۶-۴۷

۳ - رک : 32 : Dinkard Vol : VII by Sanjana, p

آنچه در عبارت فوق آمده که مطالب سپند نساک را جمع باعجاز زرتشت نتخاب و در کتاب دینکرت نوشته شده صحیح است و جای آن کتاب هفتم دینکرت است که مندرجاتش از سپند نساک میباشد و کاملاً در آنجا از زندگانی زرتشت سخن رفته و از عصر آینده پس از زمان زرتشت تا روز رستاخیز گفتگو شده - همچنین در کتاب نهم دینکرت ، فصل بیست و چهارم مطالبی را جمع بولادت پیامبر مسطور است .

بنا بر آنچه گذشت مندرجات زراتشت نامه بطور غیر مستقیم مطالب خود اوستا یعنی سپند نساک است - دارمستتر در کتاب ( هر مزد و اهریمن )<sup>۱</sup> نوبسند : « زرتشت نامه از مآخذ بسیار قدیمی مقبس است ، با آنکه زمان انشاء آن قرن سیزدهم میلادی میباشد » **شهرت زراتشت نامه** - آنکتیل دو پرون<sup>۲</sup> در سیرت زرتشت کتاب زراتشت نامه را مورد استفاده قرار داده است سراسر منظومه مرور را ایستیک<sup>۳</sup> با انگلیسی ترجمه کرده متن آن در جزو کتاب ویلسن<sup>۴</sup> ثبت شده است<sup>۵</sup> ترجمه ایستیک از روی نسخه بسیار خوبی انجام گرفته که بدست دستور برزو قیام الدین (= کامدین) در سال ۱۶۳۶ میلادی نوشته شده - این نسخه جزو کتب ویلسن بوده و اکنون در کتابخانه لرد کرمفرد در ویگان<sup>۶</sup> مضبوطست غالباً اشعار زراتشت بهرام در فرهنگ جهانگیری و انجمن آرا شاهد آورده شده است .<sup>۷</sup>

**اردای ویرافنامه** منظومه دیگر زرتشت بهرام بود ، کتابی است بنام اردای ویرافنامه - خود شاعر در پایان زراتشت نامه از آن یاد میکند .

بگفتار اردای ویراف ، رنج ببردم که آن بود آکنده گنج

اردای ویرافنامه با بیت ذیل آغاز میشود :

سر دفتر بنام پاک یزدان نگهبان زمین و چرخ گردان

۱ - صفحه ۱۹۰ - حاشیه شماره ۶

۲ - Anquetil Duperron نخستین اوستا شناس اروپائی که بسال ۱۷۷۱

میلادی کتابی بعنوان « زند اوستا ، محتوی افکار شارع مذکور را جمع بفسلفه الهی ، علوم طبیعی ، عبادات و مقررات مذهبی و اخلاقی و پاره ای مسائل عمده را جمع بتاریخ قدیم ایرانیان » منتشر کرد .

۳ - E . B . Eastnick

۴ - Wilson

۵ - the parsi Religion , as contained in the zend- Avesta :  
dy John wilson .Bombay 1843

۶ - Lord Cumferd

۷ - مقتبس از یادداشتهای استاد معظم آقای پورداد

زرتشت بهرام درسبب نظم کتاب گوید که هاتف مرا بنظم ارداویرافنامه امر کرد و مادرم مرا دلگرمی داد، زیرا در آن هنگام پدرش بهرام پور پژدو فوت کرده بود . بخشی از کتاب مزبور را جاماسب آسا درهند بچاپ رسانیده است و شماره اینات آن چنانکه استاد محترم آقای پور داود شمرده اند فقط ۱۱۶۲ بیت میباشد و بسیاری از مطالب آن بریده است . از مقایسه نسخه چاپی مذکور با نسخه ارداویرافنامه پهلوی میتوان احتمال داد که نسخه اصل منظومه بسیار مفصلتر از آنچه که در دست است بوده است .

**موضوع آن** - موضوع اردای ویرافنامه منظوم، همان موضوع اردای ویرافنامه معروف پهلویست که در دست میباشد و آن عبارتست از سیر اردای ویراف مقدس در بهشت و برزخ و دوزخ ، و خیر دادن جهانیانرا از تنعم نیکوکاران و عذاب گناهکاران در جهان دیگر .

پس از يك دیباچه دو صفحه دستایش خدا ، آفریننده عالم و آدم ، فصلی در مناجات دارد که با این بیت آغاز میشود .

بزرگا قادرا پاكا خدایا !  
بنیکی بندگان را رهنمایا !

و بادرخواست تقدیس و تبرک در حیات اخروی پایان میرسد :

یگیتی و بینو دار نیكو  
دل زرتشت ن بهرام پژدو

در نسخه ای از این کتاب ۲ فصلی در مناجات هست که پس از دعا مصنف از بدبختیهای عصر خود شکایت میکند و از خدا میخواهد که باو اجر زحماتش را بدهد - در فصل دیگر بعنوان « در پیدا کردن سبب نظم کتاب » که با این بیت شروع می شود :

کنون بشنو حدیث و قصه من  
که چون نظم کتب شد حصه من

شاعر نقل میکند که خرد رفیق و دوست مهربان ایام جوانی سعادت آمیزش بود وی آنگاه که کستی بگربست توانست آئین بهی را نیک بیاموزد و در علوم دینی کامل

۱- Ardaviraf Namek by Dastur K.D . jampspji janvsp asa Bombay 1902-

۲ - ترجمه پارسی آن توسط آقای رشید یاسمی استاد دانشگاه در مجله مهر جدا گانه منتشر گردید .

۳ - رک : مقدمه فرانسه زراتشت نامه بقلم روزنبرگ

۴ - دراصل : ( کتاب شد )

۵ - کستی بندیست که بهدینان بهنگام بلوغ ، پس از انجام تشریفات بر کمر بندند

شود - سپس نقل میکند دوستان که معلومات ویرا ازجمله میداشتنه او را تشویق کردند که بنوبه خود در تبلیغ دین مقدس بکوشد - پس از گفتگو در خصوص مصائب و آلام فصول، شاعر از مرگ پدرش بهرام پژدو که :

ادیب و هیبرسد بود و منجم دزی (و) پهلوی خوان بود و عالم

نام برده گوید پس از عزاداری مفصل بمادر گفت که بافتخار پدر فقید او نیز می خواهد عترش را وقف امور مذهبی کند - و چون دیو غم فرار اختیار کرد میلی شدید بقرائت کتب باستانی درو ایجاد شد - ابتدا داستان (مولود زرتشت) و پس داستان (اردای ویراف) بدستش افتاد - گوینده پس از ذکر شایستگی های شاعر نیک گوید :

چو کردم خواندن اینقصه آغاز	یکی هاتف مرا در داد آواز
مرا گفتا سخن گوینده بر خیز	زبان را بگفتار اندر آمییز
بنظم این قصه اردای ویراف	بگو تازین سخن نامی شود صاف
چو پستی داد مادرم درینکارا	نهادم جان و دلرا من بگفتار

در پایان «زرتشت نامه» نیز ، چنانکه گفته شد موضوع «هاتف» که او را بنمای غیبی دستور میدهد اردای ویراف را بنظم آورد ، مسطوراست سپس دوستان هم او را تشویق میکنند - اینفصل با دعا و درخواست یاری از خدا پایان مییابد :

کنون زرتشت بن بهرام پژدو بیار شرح حال و قصه بر گو

داستان از اصل خلقت شروع میشود و از کیومرث و نخستین پادشاهان که در شاهنامه فردوسی نامبرده شده اند ذکر می آید - آنگاه شاعر از فریدون بزرتشت که از اخلاف اوست<sup>۲</sup> میبردازد<sup>۳</sup> پس از تشریح دوازده هزاره خلاصه از زرتشت نامه نقل میکند که کی گشتاسب و خردمندان آئین ایزدی را میپذیرند - باید یاد آوری کرد در اینجا موضوعی که با زرتشت نامه اختلاف دارد اینست که جاماسب نیز در اینجا ، در مناظرهای مذهبی شرکت میکند .

۱ - استاد محترم آقای ملک الشعراء بهار این مصراع را چنین تصحیح کرده اند :

ما یم اندرین - یا - مادر اندرین .

۲ - در سنت مزدنیسای آمده که نسبت زرتشت بشوچهر پورایرج پور

فریدون میرسد .

۳ - رک بیت ۶۵ از زرتشت نامه رزبرک .